

آوازخوانان و نوازندگان اقوام لر و بختیاری

حسن ذوالفقاری^۱

چکیده

موسیقی در فرهنگ اقوام ایرانی جایگاه مهمی دارد. به همین دلیل پژوهش‌های فرهنگ مردم و مردم‌شناسی توجه ویژه‌ای به موسیقی شده است. موسیقی بومی- محلی اقوام زاگرس برخاسته از فرهنگ کهن این منطقه و به ویژه مردمان لر زبان و به طور خاص «بختیاری» است. آوازخوانان و موسیقی‌شناسان بختیاری و لر تبار در گستره وسیعی از زاگرس میانی با ساز و دهل و به مدد طبیعت، میراث فرهنگی خویش را تا امروز زنده نگه داشته‌اند. ادبیات شفاهی ایشان از زندگی، کوچ، کار و اقلیم آنان سرچشمه گرفته و از زبان مردم هنر دوست تکرار می‌شود. آوازخوانان بختیاری با استفاده از حافظه و دانش غیر نوشتاری خود این مقام‌ها و ابیات را سینه به سینه انتقال می‌دهند. داده‌های این مقاله با استفاده از روش کتابخانه‌ای- میدانی در رابطه با ابزار موسیقایی، ادبیات و اشعار، خوانندگان و انواع ترانه‌های سور و سوگ، حماسه و تغزل گردآوری، دسته‌بندی و تحلیل شده است.

کلید واژگان: موسیقی، آوازخوانان، اقوام لر و بختیاری، ادبیات شفاهی، زاگرس میانی.

مقدمه

ادبیات منظوم عامه و بومی سرودهای مناطق مختلف ایران، گنجینه فرهنگی بزرگی است که حافظان آن مردم و به خصوص آوازخوانان و نوازندگان در مناطق مختلف هستند که در هر جا به نامی خوانده و روش‌های اجرایی خاصی دارند. خوانندگان در هر منطقه نامی دارند؛ مثل گوسان، تصنیف‌خوان، چاووش‌خوان، نوحه‌خوان، درویش، چوپان، چاروادار، بخشی، لوتی، بلیروان، لولوچی، قوشمه‌چی، سوپی، لتی، عاشق، شوان، تالوخوان، پری‌خوان، اوزان، سایاچی، آغی‌چی، تکم‌چی، شهری‌خوان، بیت‌خوان، خراط، چرکر، سوزخوان، میرشکال، توشمال، لوتی، مهتر، سرخونی‌وش، راروش، کلام‌وش، روچی، شروه‌خوان، نوروزخوان، شرخون، گودار، امیری‌خوان، چنگی، ساربان، حُدی‌خوان، کولی، پهلوان. در میان اقوام بختیاری و لر نیز این خوانندگان نام و هویتی فرهنگی و قابل مطالعه دارند. در این مقاله به ۱۴ گروه از راویان و خوانندگان و میراث‌داران سنت‌های شعری و موسیقایی پرداخته شده است.

شعر عامه لری و بختیاری

بخش مهمی از اقوام لر و بختیاری در مناطق مرکزی و جنوب ایران زندگی می‌کنند. این اقوام با تاریخ، فرهنگ و ادبیات خاص خود، مهم‌ترین میراث‌داران فرهنگ ایرانی هستند. موسیقی، شعر و سنت‌های وابسته به این دو با زندگی این مردم پیوندی دیرینه خورده است. بر اساس تحقیقات نگارنده، ۶۰ بومی سرود معادل ۱۳ درصد از ۴۵۰ نوع از اشعار عامه در ایران متعلق به این منطقه است. از این تعداد ۲۷ عنوان، عروضی و ۳۳ عنوان، هجایی است. ۴۳ عنوان در قالب مثنوی و بقیه تک بیت یا دوبیتی است. تمام اشعار با آواز و ۷۰ درصد با ساز نواخته می‌شوند و ۵ مورد با رقص همراه است. ۸ مورد جمع‌خوانی و بقیه تک‌خوانی است. این انواع در هفت گروه به شرح زیر است:

انواع	تعداد	گونه‌ها
سرور	۹	چوپی، داوتونه، داپنی، دوالالی، رمودیره، سیتبیارم، کلکشیدن، هیگلی، دایه‌دایه
سوغ	۱۹	لاونه، بز میری، پاکتلی، جوهری‌خوانی، چپ، چمری، دنگ، رارا، سَرمویه، سُرُوخوانی، غمونه، کلیمه، گاگریو، مور / موره، مویهلری، واویلا، مرشدخانی، پُرسوپو

گونه‌ها	تعداد	انواع
شاییری، لیچار، شاهنامه‌خوانی، غمنومه‌خوانی، فلکننازخوانی، قدمخیر، مجلسی، نظامی‌خوانی، تریتالی، چلسرو	۱۰	سرگرمی
بزران، بورو، تبرزکویی، سرکهی، شلیل، صیادی، کاردنگ، گاهوله، مالهژییری	۹	کار
باریکیشوتیلا، بالابرز، بلال، ساریخوانی، سوزه‌سوزه، علیدوستی / الیسونه، کشکلهشیرازی، کیودار، گلگیس، میرونه	۱۰	تغزلی
سرتوه، لاهولاهوه، لوهلوه	۳	خواب و نوازش
هوره	۱	نیایش

تمام مردان و زنان در اجرای این آوازها مشارکت دارند. این آوازها اغلب مختلط و گاه مختص مردان و زنان هستند؛ برای مثال «مُوره» (مویه) را زنان در مراسم سوگواری اجرا می‌کنند. این نغمه‌ها در گذشته بدون همراهی ساز اجرا می‌شد و با ابیات غم‌انگیز یا شکوه و گلایه همراه بود. به طور کلی، آهنگ‌های ضربی قدیمی لکی بر دو نوع‌اند: برخی همراه با پایکوبی و به صورت دسته‌جمعی اجرای می‌شوند و معروفند؛ مانند: «سوزه، سوزه»، «بزران»، «پَر بزازه کی». در خواندن این ترانه‌ها معمولاً حاضران خوانندگان را همراهی می‌کنند. برخی ترانه‌های بختیاری با انواع رقص همراه هستند؛ برخی اشعار با رقص‌های چوبی سه پا پنج پا، دستمال‌بازی، رقص مجسمه، ترکه بازی یا رقص جنگنومه. در رقص‌های سه پا و دستمال‌بازی زنان و مردان می‌توانند با یکدیگر به اجرای رقص بپردازند اما رقص ترکه بازی یا جنگنومه مخصوص مردان است. فارغ از کم و کیف ترانه‌ها، این اشعار را یا به شکل عادی و بدون موسیقی و هم‌نوایی آلات موسیقی خود مردم می‌خوانند یا به همراهی ساز و به لحن خاص است که آوازخوانان چیره‌دست می‌خوانند. این خوانندگان و نوازندگان، چشم و گوش مردم هستند که از نزدیک شاهد غم‌ها و شادی‌های مردم بوده و هنرشان را در خدمت مردم گذاشته‌اند. اکنون به معرفی چند گروه از این حافظان شعر و موسیقی ایرانی پرداخته می‌شود.

۱. توشمال‌ها

موسیقی بختیاری آوازی و غیرآوازی (سازی) است که از زندگی، حرکت، شور، عشق، ایمان، حماسه، دفاع و... حکایت می‌کند. موسیقی در زندگی، کار، آیین‌ها و... عشایر بختیاری حضور دارد (قنبری عدیوی، ۱۳۹۳: ۲۰۶). به نوازندگان ساز در ایل بختیاری و طوایف لر زبان «توشمال» می‌گویند. این گروه از نوازندگان شاخص‌ترین مجریان موسیقی ایل بختیاری هستند (نصری اشرفی و بزرگ‌نیا، ۱۳۸۸: ۵۲). واژه توشمال از دو کلمه توش به معنی توان، قدرت و مال به معنی ایل است و در زبان بختیاری، این کلمه به معنی بزرگ ایل به کار می‌رود (درویشی، ۱۳۷۳: ۱/۱۹۸). در بعضی از مناطق بختیاری به توشمال مهتر و میرشکال نیز می‌گویند. این دسته از نوازندگان در مناطقی از روستاهای چهارمحال و بختیاری و نیز روستاهای اطراف شهرکرد به مطرب و لوتی نیز معروف هستند (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۸۴: ۲۷). در بعضی از مناطق لر نشین و مناطق کوچ‌رو ایل بختیاری به این نوازندگان، میشکال، سازنده، سازینه و لردگان نیز گفته می‌شود (نصری اشرفی و بزرگ‌نیا، ۱۳۸۸: ۵۲). اصل کلمه توشمال، واژه‌ای مغولی است که از دوره مغول تا صفویه بر منصبی حکومتی به عنوان مقام مشاور امیر، خوان‌سالار و ناظر مطبخ اطلاق می‌شده است. بعدها توشمال به تیره‌ای از ایل بختیاری و نوازندگان ایل اطلاق شد^۱ (خسروی، ۱۳۷۲: ۴۱۶). در دوره زندیه، توشمال به معنی بزرگ قوم و کدخدا به کار می‌رفته است. به طوری که عنوان کریم‌خان زند، توشمال بود و او را توشمال‌کریم می‌خواندند (نویسی، ۱۳۴۸: ۳۲). امروزه نیز گاه لرهای منطقه بویراحمد به توشمال، مهتر می‌گویند (صفی‌نژاد، ۱۳۸۱: ۱۹۶). این نوازندگان تا پیش از اقدامات رضاشاه در مقابله با نظام ایلی و تخت‌قاچاق کردن ایلات، از پرداخت هر نوع مالیات به خوانین معاف بودند. این گروه از نوازندگان عضو جدانشدنی زندگی مردم بختیاری هستند که هیچ مراسمی بدون حضور آن‌ها برگزار نمی‌شود. توشمال‌ها در ایل بختیاری نوازندگان ساز کرنا، سورنا و دهل هستند (مددی، ۱۳۷۹: ۳۰). در بین طایفه لرکی‌های^۲ هفتکل و سبزه‌کوه، گروه توشمال‌ها از دو نفر تشکیل می‌شود که یکی به نواختن کرنا می‌پردازد که به آن میشکال

۱. توشمال در فارسی به شخص معتمد و محرم، ناظر یا سرپرست جشن‌ها و شحنة دون‌پایه و کولی (دهخدا، ۱۳۷۷: ۵/۷۱۳۴) اطلاق شده و به معنای خوان‌سالار و چاشنی‌گیر و رکابدار شاه نیز به کار رفته است. برای اطلاع بیشتر در

مورد ریشه و سیر تاریخی کاربرد این واژه ر. ک به: دانشنامه اینترنتی جهان اسلام، ذیل توشمال
 ۲. طایفه لرکی از ترکان قشقایی هستند که به دلایل گوناگون به سرزمین‌های بختیاری و خوزستان کوچ کرده‌اند و نه تنها طایفه لرکی بلکه طایفه‌های دیگر نیز با آن‌ها کوچ کرده‌اند.

می‌گویند و فرد دیگر به نواختن دهل می‌پردازد که او را دهل‌چی می‌نامند و به هر دو اصطلاحاً شمال (توشمال) می‌گویند (فاطمی، ۱۳۵۳: ۵۷). توشمال‌ها به طور عمده تنها اجراکننده موسیقی مراسمی و جشن و سرور هستند و سایر بخش‌های موسیقی ایلی مانند شاهنامه‌خوانی، نظامی‌خوانی، برزگری، صیادی و موسیقی کار توسط دیگر راویان و مجریان هنرمند ایل اجرا می‌شود (نصری اشرفی و بزرگ‌نیا، ۱۳۸۸: ۵۲). در فرهنگ قوم بختیاری، اجرای موسیقی مرگ نیز جزو وظایف توشمال است (سامانی، ۱۳۸۲-۱۳۸۳: ۵۷). این مراسم با اجرای آهنگی به نام چپی همراه است. ویژگی فنی آهنگ چپی به گونه‌ای است که هر توشمال و نوازنده‌ای صلاحیت اجرای آن را ندارد. از این رو، توشمال‌ها دو دسته‌اند: عده‌ای فقط آهنگ‌های شاد را می‌نوازند و عده‌ای دیگر افزون بر آن، می‌توانند چپی را در اشکال متنوع اجرا کنند (همان، ۵۷ - ۵۸). در ایل بختیاری هر طایفه و تیره‌ای توشمال و خواننده مخصوص خود را دارد. توشمال‌ها اگرچه همیشه در کنار ایل و همراه آن‌ها هستند، ایلاتی‌ها به دلیل سنتی دیرینه، آن‌ها را از طبقه‌ای پست قلمداد می‌کنند و همواره به آن‌ها به چشم حقارت می‌نگرند (طهماسب‌پور، ۱۳۷۳: ۳۶). توشمال‌ها به جزء نوازندگی به کارهای دیگری همچون آرایشگری، ختنه کردن و کشیدن دندان نیز می‌پردازند اما عمده درآمد آن‌ها از طریق اجرای مراسم موسیقی در ایل و از راه دریافت پولی است که از طرف هر یک از خانواده‌ها در مراسم عروسی یا عزا به عنوان مقرری می‌گیرند (فاطمی، ۱۳۵۳: ۵۷). این گروه از نوازندگان بختیاری به دلیل چگونگی اشتغال به حرفه نوازندگی به دو دسته تقسیم می‌شوند: گروهی که نسل در نسل در کار نواختن سازهای مختلف بوده‌اند و این هنر را از پدر و اجداد خود به ارث برده‌اند که به آن‌ها «چکیده‌کار» می‌گویند؛ گروه دیگر نوازندگانی هستند که موسیقی را از پدر و خانواده خود به ارث نبرده‌اند و به طور شخصی به موسیقی پرداخته و آن را آموخته‌اند. این گروه در چهارمحال و بختیاری به «چسبیده‌کار» معروف هستند. هنرمندان توشمال در اجراهای خود در مراسم عروسی و مجالس شادی، طبق برنامه‌ای منظم به نوازندگی و خنیاگری می‌پردازند. در این مراسم ابتدا سرتوشمال یا بزرگ و استاد نوازندگان در جمع بزرگان حاضر در جلسه حضور می‌یابد و ابیاتی را که بیشتر سروده و گاه فی‌البداهه برای خوش آمدگویی به حاضران در مجلس می‌خواند. در این سروده‌ها، سرتوشمال به ستایش بزرگی، شهامت و نجابت بزرگان ایل می‌پردازد. پس از سرودخوانی بزرگ توشمال، نوبت به ساز مجلسی (پیش‌نوازی، پیش‌درآمد) می‌رسد که در آن خواننده گروه با خواندن آهنگ، مجلس را گرم می‌کند و دهل‌کوب با نواختن ضربه‌های آرام او را همراهی می‌نماید. اجرای پیش‌درآمد موسیقی، زمان زیادی طول نمی‌کشد و

با پایان یافتن این درآمد نوازنده از مجلس خارج می‌شود و به میان بازی‌کنندگان و رقص‌کننده‌های حاضر در محوطه مراسم عروسی می‌رود و با نواختن مقام‌های چوب‌بازی یا دستمال‌بازی مراسم عروسی و سرور را ادامه می‌دهد. پس از عروسی رسم است که انعامی از طرف خانواده داماد و عروس به توشمال‌ها می‌دهند (فاطمی، ۱۳۵۳: ۵۷). در آیین‌ها و مناسبت‌های عروسی یا عزا که با آهنگ (ساز و دهل) همراه می‌شود و با تک‌خوانی یا گروه‌خوانی (هم‌سرایی) زنان و دخترکان بختیاری شکل خاصی می‌گیرد، نیز این آواها و نواها وجود دارد. در همین آهنگ‌هاست که نام‌هایی چون شهید شیرعلی مردان، ابوالقاسم خان، سردار اسعد بختیاری، محمد حسین خان، نامدار خان، حالو زال (هالو زال) و... بارها تکرار می‌شود و افراد با تاریخ شفاهی قوم خود نیز آشنا می‌شوند (قنبری عدیوی، ۱۳۹۳: ۲۰۶).

۲. میرشکال‌ها

اهالی ایل بختیاری به نوازندگان محلی میرشکال گویند (وجدانی، ۱۳۷۶: ۷۲۷). این عنوان گاه همراه و مترادف اصطلاح توشمال یا توشمال برای نامیدن گروه نوازندگان محلی به کار می‌رود و گاه در کنار توشمال‌ها به نوازندگان سرنا یا کرنا، میرشکال یا میشکال و به نوازندگان دهل، دهلی یا دهل‌کوب می‌گویند (غفاری، ۱۳۸۸: ۱۷۸). همچنین در شهرستان مینودشت به نوازندگان نوعی سرنا که مخصوص اقوام سیستانی است، «قوشان» یا «میرشکال» یا «مش‌کال» می‌گویند (خسروی، ۱۳۷۲: ۲۳). این نوازندگان در طایفه لر زبان هفت‌لنگ به میشکال و در بین طایفه چهار لنگان به «خطیر» نیز معروف هستند. همچنین میشکال نام طایفه‌ای از ایل بختیاری زیرمجموعه ایل زراسوند ساکن در شهرستان مسجدسلیمان است که به نواختن سرنا شهرت دارند. میرشکال‌ها یا میشکال‌ها هنگام جشن عروسی به نواختن آهنگ بازی‌های محلی مانند سواربازی، دستمال‌بازی و چوب‌بازی و نیز اجرای موسیقی مرجنگه و ملاروه می‌پردازند.

۳. لوتی‌ها

گاه به نوازندگان محلی در لرستان «لوتی» می‌گویند. لوتی یکی از گروه‌های اجراکننده موسیقی در خراسان است که حدود سی سال است نسل آن‌ها منقرض شده است. آن‌ها نوازندگان دپ یا همان دایره بودند و به طور مداوم از یک منطقه به منطقه دیگر سفر می‌کردند. کار اصلی آن‌ها تبدیل وقایع و حوادث جاری به صورت شعر و نقل آن در مجالس و محافل مختلف بوده است. آن‌ها از این طریق اخبار ایلات و عشایر را از نقطه‌ای به نقطه دیگر انتقال می‌دادند. لوتی‌ها بیشتر اشعار هزل و هجو می‌خواندند و از ستمگران و صاحبان زور انتقاد می‌کردند (توحیدی اوغازی، ۱۳۷۷: ۱۱۲).

این گروه از نوازندگان مانند عاشق‌ها، حق انتقاد از اوضاع اجتماعی دوره خود و خان‌ها را داشتند و با داشتن نوعی مصونیت سیاسی هیچ‌کس حق آزار آن‌ها را نداشت (سجادپور، ۱۳۸۳: ۸۶). آن‌ها با توجه به محتوای شعر خود، یکی از قالب‌های موسیقی را انتخاب می‌کردند و به خواندن شعر و نواختن موسیقی منطقه خراسان می‌پرداختند (جوادی، ۱۳۸۰: ۸۶۰). در تمام شهرها و قصبات خراسان این گروه از نوازندگان سنتی از پرداخت مالیات معاف بودند. در فرهنگ لری نیز به اجراکنندگان حرفه‌ای موسیقی، لوتی می‌گویند (درویشی، ۱۳۷۳: ۴۸۸ / ۱).

۴. مهترها

در بعضی از مناطق بختیاری به توشمال مهتر نیز می‌گویند.

۵. سرخونی‌وش‌ها

خوانندگانی که در مراسم سوگواری به صورت تک‌خوان اشعاری را در وصف احوال درگذشته و شرح حال بازماندگان می‌خوانند سرخونی‌وش گویند. آنان این اشعار را بیشتر در مراسم «رارا» می‌خوانند.

۶. چَمَری‌وَش‌ها

به نوازندگان موسیقی سوگ در لکی، «چَمَری‌وَش» می‌گویند. این اشخاص سهم بزرگی در حفظ میراث ادب عامه و موسیقی و سنت‌های زاگرس‌نشینان دارند (فرخی و کیایی، ۱۳۸۰: ۲۵).

۷. راراوَش‌ها

در هر نقطه از کشور، «سوگ سروده» یا «سوگ چامه» نامی دارد: در بختیاری «گاگریو»، «دومدال»، «دوندال»، «سُرُو»؛ در لکی «رارا»؛ در ایلام «چَمَر»؛ در ممسنی «شَرَبه»؛ در مازندران «مُوری». رارا ترکیبی از آهنگ و رقص عزاست که به صورتی خاص اجرا می‌شود (عنصری، ۱۳۸۰: ۷۴). افرادی سوگ خوان، به نام «راراوَش» (rārāvāš) در میان مردان می‌گردند و پول دریافت می‌کنند.

۸. شایرها

لران «شاعر» را با همان مصداق زبان فارسی، «شاییر / shayer» خطاب می‌کنند و شاییران از ارج و منزلت بسیاری برخوردارند و بین این دو تفاوت قائلند. شاییری مختص گروهی خاص بود که به اسم «شاییری وه ش» یا «ده لی» معروف و بداهه‌گو و طنز بودند که بیشتر از میان افراد معروف به «لوتی» برمی‌خاستند. اینان گاه از شخص مورد هجو خود حق‌السکوت می‌گرفتند تا اشعار را ادامه ندهند. بیشتر این گویندگان از مجریان موسیقی محلی بودند و توانایی و امکان اجرای آن را به شکل ترانه نیز داشتند.

۹. کلام‌وش‌ها

به کسانی که از اشعار کلام در مقام یارسان می‌خوانند، «کلام‌وش» می‌گویند. یکی از مقام‌های عرفانی و مذهبی در موسیقی محلی لری، «یارسان» نام دارد که با اشعار وزن‌داری به نام «کلام» اجرا می‌شود. کلام، مجموعه‌ای از سروده‌های دینی بزرگان یارسان و گفتاری از پیش‌گویی‌های پیشوایان گذشته چون الماس خان و ترکه میر به زبان کردی به ویژه گویش گورانی است که در موضوعات گوناگون چون وصف حضرت علی (ع) است (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۸۴: ۱۳۲). دیگر هنرمندان این خطه با عناوین دیگری همچون «راوچی، دنگ چی و دنگ هر» به معنای خبرکننده و صداکننده شهرت دارند.

۱۰. روچی‌ها

کسانی هستند که در عزاداری لک‌های مناطق لرستان و ایلام «چمری» می‌خوانند. هنگامی که رئیس و بزرگ ممتاز طایفه، مردی خوش‌نام و یا جوانی برومند از دنیا برود، آیین «چمر» برگزار می‌شود. روچی‌ها، افراد خوش‌صدا و شاعر بودند که در ایلام آن‌ها را «رَوَکَر» می‌گفتند و اشعاری حماسی و گاه عاطفی در توصیف دلاوری، خوبی و زیبایی‌های درگذشته می‌خواندند. این اشعار که حزین و غریبانه بود از نیکی‌ها و خوبی‌ها حکایت می‌کرد (قاسمی و مروتی، ۱۳۸۸: ۱۴۵). در ایلام به خوانندگان خوش‌صدا و روچی‌ها، «رَوَکَر» می‌گویند. اینان اشعاری حماسی و گاه عاطفی در توصیف دلاوری، خوبی و زیبایی‌های درگذشته می‌خواندند. این اشعار که حزین و غریبانه بود از نیکی‌ها و خوبی‌ها حکایت می‌کرد (همان). شاعران بومی‌سرا که «بیش» (به آیش - biyiš) نام دارند؛ کارسرایش تک‌بیتی‌ها را برای خواندن روکرها نیز عهده دارند (فرخی و کیایی، ۱۳۸۰: ۲۳). بی‌آیش‌ها عبايي سفید یا قهوه‌ای نازک به نام «بتیه» (batieh) بر دوش دارند که کاملاً شناخته شده هستند. هر گروه بی‌آیش‌های خود را می‌آورد تا در مراسم شعرخوانی کنند (خلیلیان، ۱۳۷۱: ۱۱۴). نقش نوازندگان محلی و آرام یا محکم نواختن دهل و زدن کل و لیکه (keLlike) عزا در حین برگزاری مراسم در شور و احساس مجلس بی‌نظیر است. وقتی زنان و مردان مهمان رو به روی صاحبان عزا می‌ایستند، زنان از عمق جان نوای شیونی (šivani) «وه-وه» «وی وی» یا ووی ووی همراه با خراشیدن صورت و مردان هم از عباراتی چون «هی باوه» «هی براره» (ای برادر) استفاده می‌کنند که به آن «بُنگ» (bong) می‌گویند؛ نوازندگان محلی این حالت را «دهل مپله و شیونی» گویند (سیف‌زاده، ۱۳۷۷: ۱/۱۹۴).

۱۱. دلی‌ها

در لرستان افرادی به نام «دلی» دوره‌گردانی بوده‌اند که هنگام جمع‌آوری غله و خرمن‌کوبی با ساز آوازهای لری می‌خواندند؛ به ویژه در روزهای آخر اسفندماه، با ساز یا بی‌ساز، بر در هر مغازه‌ای، با نام نشان صاحب آن به بی‌درنگ و بداهه و در نظم هجایی، چامه‌هایی را سر می‌داد. مردم نیز گوش می‌دادند و به آن‌ها پول یا هدیه‌ای می‌دادند. دلی‌ها شاعران و نوازندگانی بوده‌اند که به مناسبت مجلس، گاه اشعار و الحان غمگینانه و گاه حماسی و فکاهی می‌خواندند. اینان اصولاً لباس سرخ می‌پوشیده‌اند.

۱۲. گردوها

گردوها خوانندگان و شاعرانی لر بوده‌اند که دوره می‌گشتند و کمک مالی جمع‌آوری می‌کردند که وجه اولیه کار آن‌ها یعنی خوانندگی و شاعری، فراموش شده است.

۱۳. سازنه / سازنده و هندی‌ها

از دیگر عناوین نوازندگان در زبان لری بختیاری است که هندی خواندن آن‌ها، گوشزد به تبار هندی آن‌هاست که داستان بهرام گور و فراخواندن جماعت نوازندگان از هند به ایران است که پوست تیره اکثر تشمال‌ها شاید مؤید این ادعا باشد.

۱۴. دَنگچی‌ها

خوانندگان دوره‌گردی که «دَنگ» (داستان حماسی) می‌خوانده‌اند. اینان داستان‌های حماسی قوم بختیاری مثل دَنگ ابوالقاسم و دَنگ علی مردان‌خان را به آواز و ساز می‌خوانند.

نتیجه‌گیری

موسیقی هنری است که به مدد نوازندگان و استادان بومی نسل به نسل منتقل شده است. هر یک از اقوام ایرانی برای خود موسیقی آوازی و ادبیات عامه‌ای در این حوزه دارند که با نوازندگان وابسته به همان قوم نواخته می‌شود. در بین اهالی زاگرس و به ویژه بخش مرکزی آن (زاگرس میانی) تنوع ادبیات، موسیقی و نوازندگی چشمگیر است. در هر یک از مناطق لرتبار و بختیاری در این حوزه فرهنگی و جغرافیایی، نوازندگان نام خاصی دارند. از ابزار و آلات موسیقی ویژه‌ای متناسب با اقلیم و نوع زندگی خود، بهره می‌برند. زندگی دامداری و کشاورزی عشایر بختیاری و لر زبان با موسیقی و فرهنگ ایشان پیوند ناگسستنی دارد. مردان و زنان، کودکان و سالخورده‌گان به این موسیقی دلبستگی دارند و در سوگ و شادی از آن جدا نمی‌شوند. حماسه، غنا، کار و آداب

و رسوم ایشان به این موسیقی وابسته است و در امور مختلف خویش به آن، توجه عمیقی دارند. در این پژوهش، ۶۰ بومی سرود، معادل ۱۳ درصد از ۴۵۰ نوع از اشعار عامه در ایران متعلق به این منطقه شناخته شده است. از این تعداد ۲۷ عنوان، عروضی و ۳۳ عنوان، هجایی است. ۴۳ عنوان در قالب مثنوی و بقیه تک بیت یا دوبیتی است. تمام اشعار با آواز و ۷۰ درصد با ساز نواخته می‌شوند و ۵ مورد با رقص همراه است. ۸ مورد جمع‌خوانی و بقیه تک‌خوانی است. نام‌هایی که برای نوازندگان و خوانندگان برمی‌گزینند با نوع و کارکرد موسیقی تناسب دارد.

کتابنامه

- امان‌اللهی بهاروند، سکندر. (۱۳۸۴). موسیقی در فرهنگ لرستان. تهران: نشر افکار (سازمان میراث فرهنگی کشور، پژوهشکده مردم‌شناسی).
- توحیدی اوغازی (کانیمال)، کلیم‌الله. (۱۳۷۷). «اهمیت و اصالت موسیقی کردی خراسان». مجله مقام موسیقایی. ش ۳. (پاییز و زمستان). صص ۱۰۶-۱۱۳.
- جوادی، غلامرضا. (۱۳۸۰). موسیقی ایران (از آغاز تا امروز). تهران: همشهری.
- خسروی، عبدالعلی. (۱۳۷۲). تاریخ و فرهنگ بختیاری. اصفهان: نشر حجت.
- خلیلیان، علی‌محمد. (۱۳۷۱). «مراسم آیین سنتی چمر در استان ایلام». مجموعه مقالات اولین گردهمایی مردم‌شناسی. [تهران]: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- درویشی، محمدرضا. (۱۳۷۳). مقدمه‌ای بر شناخت موسیقی نواحی ایران. ج ۱. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، واحد موسیقی.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۴۵). لغت‌نامه. زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی. ج ۵. چاپ دوم از دوره جدید. تهران: دانشگاه تهران. سازمان لغت‌نامه دهخدا.
- سامانی، هوشنگ. (۱۳۸۳-۱۳۸۲). «موسیقی مرگ». مجله مقام موسیقایی. ش ۲۶. (اسفند و فروردین). صص ۵۷-۵۹.

- سیف‌زاده، سید محمد. (۱۳۷۷). پیشینه تاریخی موسیقی لرستان. ج ۱. خرم‌آباد: افلاک.
- صفی‌نژاد، جواد. (۱۳۸۱). «سفر به دیار بختیاری». مجله انسان‌شناسی. ش ۱. (بهار و تابستان). صص ۱۹۵-۱۹۸.
- طهماسب‌پور، علیرضا. (۱۳۷۳). «مختصری درباره موسیقی بختیاری». ادبستان فرهنگ و هنر. ش ۵۵. (تیر). صص ۳۶-۳۶.
- عناصری، جابر. (۱۳۸۰). مردم‌شناسی و روان‌شناسی هنر. تهران: رشد.
- غفاری، عیسی. (۱۳۸۸). «موسیقی سوگ در ایل بختیاری؛ نگاهی به آواز گاگریوه (گوگریوه) و ساز چپی (ساز وارونه) در موسیقی بختیاری». فصلنامه هنر. ش ۸۲. (زمستان). صص ۱۷۰-۱۸۴.
- فاطمی، موسی. (۱۳۵۳) «لرکی‌ها (آداب عروسی لرکی‌ها از خواستگاری تا پاگشا)». مجله هنر و مردم. ش ۱۴۸. (بهار). صص ۵۲-۶۰.
- فرخی، باجلان؛ کیایی، منصور. (۱۳۸۰). «مراسم چمر در ایلام». مجله کتاب ماه هنر. (آذر و دی). ش ۳۹-۴۰. صص ۲۲-۲۵.
- قاسمی، یارمحمد؛ مروتی، سهراب. (۱۳۸۸). همیاری سنتی ایلامیان. ایلام: دانشگاه ایلام.
- قنبری عدیوی، عباس. (۱۳۹۳). ز شیر بنگشت تا جون آدمیزاد. شهرکرد: نیوشه.
- مددی، حسین. (۱۳۷۹). «جایگاه موسیقی در ایل بختیاری». مجله چیستا. ش ۱۷۱. (مهر). صص ۲۸-۳۱.
- نصری اشرفی، جهانگیر؛ بزرگ‌نیا، پیمان. (۱۳۸۸). موسیقی بختیاری (نگاهی اجمالی به موسیقی بختیاری). (<http://www.bkdiyary.blogfa.com/post/52>) (دسترسی در ۱۳۹۷/۲/۱۸).
- نوایی، عبدالحسین. (۱۳۴۸). کریم‌خان زند. تهران: انتشارات ابن‌سینا.
- وجدانی، بهروز. (۱۳۷۶). فرهنگ موسیقی ایران. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).